

مجید فروغی پرستاری که قهرمان المپیک ۲۰۲۰ شد از بیمارستان تاسکوی المپیک



تقریباً ۳ سال پیش جواد فروغی تیرانداز تیانچه کشورمان با کسب نخستین مدال تاریخ تیراندازی در المپیک در دنیا غوغا کرد. او رکورد تیراندازی با تیانچه را در المپیک جاپه جا و به نام خودش ثبت کرد و مسن ترین ورزشکار ایران که صاحب نخستین مدال طلای کاروان المپیک ۲۰۲۰ در توکیو شده بود. اما نکته جالب درباره این قهرمان المپیک این بود که او پرستار است و درست در روزهای اوج همه گیری کرونا، در صف مدافعان سلامت برای بهبود درحال بیماران تلاش کرده بود. او در تمام روزهایی که برای المپیک تمرین می کرد به بیمارستان می رفت و از بیماران کرونایی مراقبت می کرد به همین خاطر هم دچار بیماری کرونا شد. به گفته خودش این کار را بسیار دوست

دارد. بیماران زمانی که متوجه می شدند او تیرانداز المپیک است. بسیار خوشحال می شدند و او از خوشحالی بیمارانش نیرو می گرفت. خودش می گوید: «کرونا محدودیت های زیادی برای ما به وجود آورد. در ابتدا بسیاری از تمریناتمان را لغو کرد اما من دست از تلاش برنداشتم. در خانه به صورت خشک تمرین می کردم و خانواده ام واقعاً در این راه به من کمک کردند. آنها برای رسیدن من به این مدال خیلی زحمت کشیدند. من از نوجوانی مشکل دریاچه میترا دارم و گاهی تپش قلب می گیرم. به هر رشته ورزشی ای فکر می کردم به جز تیراندازی چرا که این رشته نیاز به ثبات دست و تمرکز دارد اما خدا خواست و من تیرانداز شدم تا برای کشورم افتخار آفرینی کنم.»

همشهری پایداری



ایتاری که ادامه دارد

التاز عباسیان
دبیر پایداری

این روزها کرونا از صدر اخبار و دل نگرانی های ما بیرون آمده و دیگر مراکز درمانی آماده باش نیستند اگر منصف باشم و روزهای سخت ۳ و ۴ سال اخیر را مرور کنیم، حتماً در کنار کابوس کرونا، نام عده ای همیشه پر ایمان ارزشمند بوده و هرگز فراموش نخواهیم کرد. مبارزان خط مقدم سلامت، ام از پزشکان، پرستاران، پیراپزشکان و آزمایشگاهیان در درمان و کاهش آلام بیماران که جان شیرین شان را به خطر انداختند تا تضمینی برای شیری جان دیگران باشند. بسیاری از مشاغل در روزهای سخت کرونا، دور کار بودند اما کادر بهداشت و درمان نه تنها دور کار که نبودند بلکه در میدان اصلی جنگ با این ویروس منحوس جانانه جنگیدند و متأسفانه عده ای هم جان خود را در مسیر خدمت از دست دادند. بر کسی پوشیده نیست اگر خدمت سانی و از جان گذشتگی آنها نبود، افراد بیشتری با کرونا جان خود را از دست می دادند. جانفشانی این افراد آن قدر ستودنی و والا است که قلم از بیان این جانفشانی ها قاصر است و عنوان «شهادت» و ازای براننده برای قربانیان سفید پوش است. اما این ایثار هنوز هم ادامه دارد و حتی اگر کرونا هم نباشد هر روز و شب این عزیزان با جان و دل برای مردم دردمند تلاش می کنند. مجاهدت های خانواده نظام سلامت در امتداد کاروان شهدای دوران دفاع مقدس در این مقطع تاریخی نشان دهنده هویت متمتع این افراد بوده و نمونه بارز ایثار اجتماعی است. از خود گذشتگی و حماسه آفرینی کادر بهداشت و درمان چه

در دوران همه گیری کرونا و چه شرایط فعلی بهترین الگو برای نسل جوان و نوجوان کشور هستند. این الگوها باید به درستی نشان داده شوند و بر ماست که با قلم و هنر این رشادت ها را به بهترین شکل به جامعه معرفی کنیم. اما حالا که تقریباً آمار قربانیان کرونا تک رقمی و گاهی هم به صفر نزدیک می شود نباید این قشر و دغدغه هایشان را فراموش کنیم. مطالبات این قشر از جامعه به ویژه پرستاران اغلب بی جواب مانده و در کاغذبازی های اداری و بازی های سیاسی گم شده است.

در همین راستا در سالروز میلاد حضرت زینب (س) که به نام و گرامیداشت پرستار در تقویم رسمی کشورمان مزمین شده، یادی از این مدافعان سلامت کرده و در ادامه سراغ تعدادی از پرستاران نمونه رفته ایم و دغدغه هایشان را جویا شدیم. چه کسی است که نداند نام این فرشته های زمینی بامهربانی گره خورده است. گروهی که در جنگ و صلح، دشواری و راحتی و هر موقعیت دیگری پای آنها که دردی ندارند می ایستند و التیام می بخشند زخم ها و دردها را.



فیلم گزارش را با اسکن این کد ببینید

پای صحبت های پرستار نمونه ای که برای کارهای خیر خواهانه و آزادی زندانی ها پیشقدم است

مرهم درد و رفیق روزهای سخت

توانسته با کمک همکارانش در کادر درمان در امور خیریه پیشقدم شود. از تهیه ارزاق و کمک هزینه از دواج و تحصیل گرفته تا آزادی ۶۹ زندانی محصل تلاش آنهاست.

پدر بزرگش از کاسبان نیکو کار تهران بود و روحیه دستگیری از دیگران از پدر بزرگ به نوه اش به ارث رسیده. داوود صانعی، پرستار نمونه بیمارستان قلب شهید رجایی با این روحیه نعدوستی در شغلش خوش درخشیده و

درد آشنا با بیماران نیازمند

۱۷ سال پیش در محل کارش با بیماری مواجه می شود که از داربست افتاده و ناتوان شده و اهل و عیالش نیاز به کمک داشتند. کمک به این خانواده، شروعی جدی برای کارهای خیرش بود. خودش می گوید: «چند سالی با حمایت همکاران و خانواده هایشان به این خانواده و چند فرد کمبرخوردار کمک کرده و ارزاقی می فرستادیم. تا اینکه تصمیم گرفتیم کار اساسی تر کرده و زندانی آزاد کنیم. در میمان این خانواده افرادی بودند که سرپرست خانواده در زندان بود. برای آزادی او مبلغی جمع آوری شد و او به آغوش خانواده بازگشت. در این مسیر با ستاد دبه ارتباط گرفتیم و برای

زندانیان غیر عمدی که برای مشکلات مالی سال ها در زندان بودند، مبالغی جمع آوری کردیم. خوشبختانه تاکنون حدود ۶۹ زندانی آزاد شده و پیگیری آزادی نفرات بعدی هستیم. حدود ۹۰ درصد اعضای گروه خیریه ما کادر درمان و خانواده های آنها هستند و تعدادشان به ۱۲۳ نفر می رسد. پیشنهادهایی که اعضا می دهند به اشتراک می گذاریم. از جمله حمایت از مؤسسه خیریه فرخنده (حامی کودکان معلول بی سرپرست و بدسرپرست) است. تا جایی که در توان مان هست مایحتاج شان را تهیه می کنیم. برای خانواده های کمبرخوردار هم بسته های معیشتی تهیه می کنیم.»

حس خوب آزاد کردن آدم های دربند

داشت و نه خانواده ای. با کمک دوستان برای او خانه ای اجاره کردیم و مسیر زندگی اش تغییر کرد. از مردم می خواهم که هر کدام یک قدم کوچکی برای کار خیر بردارند. لازم نیست حتماً قدم های بزرگی برداشته شود آدم یک قدم کوچک هم که بردارد جامعه به سمتی که باید پیش می رود. از طرفی از همین جایی خواهم تا هموطنانم در خیابان ها حواس شان به آموالاتس هایی که بیمار جابه جایی می کنند باشد. اینها کارشان حیاتی است و یک لحظه هم از کمک به بازگشایی مسیر دریغ نکنند.»

او در ادامه به خطرات و حس خوبی که با آزادسازی زندانی ها برای او و همکارانش رقم می خورد می گوید: «جرایم مادی و غیر عمد ممکن است برای افراد زیادی پیش بیاید. خاطر هم هست یکبار جوان ۲۲ ساله ای که پیک موتوری بود را از زندان آزاد کردیم اما بعدش او مانده بود کجا برود. مادرش از غصه او دق کرده و از دنیا رفته بود؛ نه خانهای

پرستاران بعد از کرونا فراموش شدند

کادر درمان و به ویژه پرستاران، از دوره کرونا به بعد بیشتر دیده شدند و به آنها عنوان مدافعان سلامت داده شد. صانعی به این نکته اشاره کرده و می گوید: «شاید هیچ جا به این اشاره نشده بود که مدافع سلامت نسبت به آن سرباز شریفی که در مرز خدمت می کند یک فرق بزرگی دارد. سرباز برای خانواده خودش هم امنیت می آورد ولی پرستار، مریضی و کرونا برای خانواده خودش به همراه می برد. یعنی یک کار مضاعفی داشته و از خانواده خودش هم مایه می گذارد. در دوران کرونا وعده هایی از سوی مسئولان داده شد اما بعد از کرونا کادر درمان و پرستاران دوباره فراموش شدند. بسیاری از پرستاران برای امرار معاش به دردسر افتادند. این برای سلامت جامعه مضر است. کادر درمان از خود گذشتگی می کنند و از

خودشان مایه می گذارند. اما متأسفانه حمایت چندانی از آنها نمی شود. همین باعث می شود که گاهی پرستاران به فکر مهاجرت بیفتند. برای کادر درمان همیشه این پیشنهادها هست. موقعیتش برای من هم بوده ولی تا امروز به آن فکر نکردم. ترجیح می دهم در مملکت خودم برای همنوع هم وطن خودم تلاش کنم. بعد از گذشت این همه سال که ۲۵ سال است از ورود من به بیمارستان و پرستاری می گذرد و بیمارستان سوانح سوختگی شروع کردم و دیدم آنجا چقدر این کار مقدس است و چقدر خدمت کردن به مریض ها برای رشد شخصی خودمان و جامعه لازم است. به این نتیجه رسیدم که اگر فرزندانم بخوانند این رشته را انتخاب کنند ترغیب شان کنم و به آنها بگویم اگر خیر دنیا و آخرت شان را می خواهند به مردم خدمت کنند.

